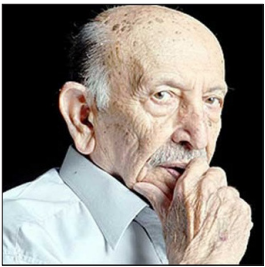


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

از پرسپولیس تا پینو کیو



زنده‌یاد مرتضی احمدی، ضربی خوان، بازیگر و صداییشه نامدار کشورمان ۱۰ آبان ۱۳۰۳ در تهران متولد شد. نخستین حضور جدی او در عرصه هنر به پاییز ۱۳۲۲ بازمی‌گردد؛ زمانی که در تئاتر فرهنگ برای اولین بار پیش برده خوانی کرد. او نخستین هنر مندی بود که به سبک بیات تهران در پیش برده‌ها آواز خواند. همکاری او با رادیو و تلویزیون مستمر بود و در میان مخاطبان این دو رسانه شهرت و محبوبیت بسیار داشت. در فروردین

۱۳۵۳ نقش اول سریال پربیننده «هردمیل»، نوشته پرویز خطیبی را بازی کرد. در نظرخواهی از مردم در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان محبوب‌ترین هنرپیشه رادیو انتخاب شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به مدت هفت سال بازگیری را کنار گذاشت اما پس از بازگشت به تهران کار بازیگری را در سریالی تلویزیونی به نام «تک‌مضراب» از سر گرفت. در فروردین ۱۳۴۹ به دعوت علی حاتمی ترانه عنوان‌بندی فیلم «حسن کچل» را ضربی خوانی کرد. در همین سبک در ۱۳۲۸ پنج صفحه موسیقی برای یک شرکت انگلیسی ضبط کرد. مرتضی احمدی بیش از چهارصد ترانه ضربی و صد و پنجاه ترانه فکاهی خوانده است، این ترانه‌ها از نوشته‌های نصیری‌فر، نویسنده کتابی است به نام مردان موسیقی سنتی و نوین ایران که بیشتر کارهای موزیکال مرتضی احمدی از آن کتاب گرفته شده است. از ماندگارترین آثار او می‌توان به حضورش در مجموعه «پینوکیو» اشاره کرد که در آن در نقش «روباہ مکار» صدایشگی کرده است. مرتضی احمدی از طرفداران سرسخت تیم پرسپولیس بود و در جوانی حضور در عرصه فوتبال را هم تجربه کرده بود. او ۳۰ آذر ۱۳۹۳ درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

لطفا مادر بزرگ‌ها قصه نگویند!

آرش خوزستانی - یادش به خیر. قدیم‌ها شب‌های پاییز و زمستان، ما بچه‌ها دور مادر بزرگ حلقه می‌زدیم تا به قصه‌هایی گوش کنیم که از کوچ‌پس کوچ‌های قرن‌های گذشته تاریخ را ورق می‌زدند تا برسند به حنجره مادر بزرگ و از زیر و بم گلوی خسته او بگذرند و بنشینند بر دل و جان ما. مادر بزرگ قصه می‌گفت تا هم بچه‌ها را سرگرم کند و هم باران را میهمان سرزمین مان کند. قدیمی‌ها عقیده داشتند وقتی بزرگ‌تری «میتل» بگوید حتما باران می‌بارد. پس سرزمین نیمه‌خشک ما همیشه محتاج قصه‌گویی مادر بزرگ‌ها بود… بچگی ما به شنیدن قصه‌های مادر بزرگ گذشت و وقتی فردای یکی از آن شب‌های قصه، روزی بارانی بود، ما با عشق و شادمانی ای وصف‌ناپذیر سرما و باران را می‌پذیرفتیم و دل به راه مدرسه می‌دادیم با این خیال خوش که باران را مادر بزرگ ما آورده است! حالا اما سال‌هاست که مادر بزرگ در دل خاک پنهان شده. دیگر کسی نیست تا برایمان قصه بگوید و اگر تک و توک مادر بزرگ قصه‌گویی در حوالی ما باقی باشد باید از او خواهش کنیم افسانه‌هایش را در سکوت خود روایت کند مبادا باران بیاید…

امروز ما از همیشه بیشتر محتاج بارانیم. خشکسالی امان‌مان را بریده، زمین‌های مان از خشکی ترک خورده‌اند، آب رودخانه‌هایمان فرونشسته، دریاچه‌هامان خشکیده‌اند و… با این حال همان اندک‌مادر بزرگ‌های قصه‌گو باید بترسند از قصه گفتن. امروز که از همیشه تشنه‌تریم، باران اگر بیارد بالای جانمان می‌شود. نمی‌بارد تا مرهمی باشد بر تشنگی ما. می‌بارد و سیل می‌شود و همه چیز را با خودش می‌برد… ما هیچ برنامه‌ای برای باران نداریم. نمی‌دانیم چگونه باید از آن استفاده کنیم. نمی‌دانیم چگونه باید ذخیره‌اش کنیم. نمی‌دانیم چرا بارش هر بارانی در سرزمین ما منجر به سیل می‌شود و خسارت و ویرانی بر جای می‌گذارد. منتظریم باران بیارد، سیل بیاید، خسارتش را وارد کند و ما تازه سر فرصت میزان خسارت را از زبانی کنیم و به سیل‌زدگان امداد رسانی کنیم. نمونه‌اش را در همین روزها داریم در غرب کشور می‌بینیم؛ به ویژه در استان‌های کرمانشاه و ایلام. کارشناسان گفته‌اند «باران به تاسیسات زیربنایی شهرستان گلانغرب ۱۲ میلیارد ریال خسارت وارد کرده است». مدیر روابط عمومی مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی خوزستان هم از مراجعه بیش از ۱۱ هزار نفر بیمار تنفسی به اوژانس بیمارستان‌های خوزستان در سه روز گذشته خبر داده و گفته است: در سه روز گذشته و از آغاز اولین بارندگی‌ها تا صبح امروز (شنبه) ۱۱ هزار و ۴۶۹ نفر با مشکلات تنفسی به اوژانس بیمارستان‌های خوزستان مراجعه کرده‌اند». ظاهرا باران ادامه دارد. لاقال تا دو روز دیگر قرار است بیارد و این بار از نیمه غربی کشور قرار است به سمت شرق حرکت کند و…

باران نباید از ما کشته بگیرد. نباید شهرهایمان را ویران کند. باید برای این رحمت الهی برنامه‌ای داشته باشیم… علاج واقعیه پیش از وقوع باید کرد. خسارت دادن به سیل‌زدگان و وام دادن به کسانی که خانه‌هایشان را بر اثر سیل از دست داده‌اند کار خوبی است اما بهتر آن است که برای باران‌هایی که در راهند چاره‌اندیشی کنیم پیش از آنکه باران از دعای مردم این اقلیم نیمه‌خشک کنار گذاشته شود…



فارسی را پاس بداریم

ماجرای «ف» و فرحزاد در فارسی‌زبانان

یکی از مشکلات امروز زبان فارسی که بنیادی‌ترین مباحث ویرایش استدلالی در حوزه‌زبان رانیز شامل می‌شود، استعمال و کاربرد نادرست واژه‌ها در معنای خودبه‌عبارت‌بهتریِ توجهی به‌دلالت‌الفاظ است. بدین معنا که در زمان ما، بر اثر بی توجهی اهل زبان به معنای واژگان و تکیه آنها بر تبادری عام، محدوده دلالت‌الفاظ بر معانی شان تنگ‌تر شده‌در عوض سایه‌های معنایی واژگان و تداخل معنایی آنها در حال گسترش است. این بی‌توجهی در کاربرد واژگان سبب شده‌الفاظ در سطح‌های زبانی خودو در جای خود به کار نروند و به جای دلالت بر معنا تنها رایحه‌ای از معنا داشته باشند. بسیاری از اهل زبان معنی درست واژه‌ها را به‌درستی درک نمی‌کنند، در حالی که اجمالا از آن‌ها معنایی به‌ذهنشان متبادر می‌شود که ظاهرا حاصل بدل شدن دلالت لفظی به دلالت طبیعی بر اثر کثرت استعمال است. مثلا، بسیاری هنوز میان واژه‌های «ذهنی» و «انتزاعی»، «حقیقت» و «واقعیت»، «مصدر»، «اسم مصدر»، و «حاصل مصدر»، «سبب» و «علت» و «دلیل»، «موجب» و «موجد»، «باعث»، «فردی» و «انفرادی»، «خواندن» و «مطالعه کردن»، «تماشا کردن» و «نگاه کردن» و «دیدن» و «نگریستن»، «شنیدن» و «گوش دادن» و «گوش

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

کتابی که یک قرن پس از انتشار به دست ما رسید

باز خوانی انتقادی پاره‌ای از تفاسیر پولی مارکس در «سرمایه مالی»

کتاب «سرمایه مالی» با عنوان فرعی پژوهشی در باب تازه‌ترین مرحله تحول سرمایه‌داری نوشته رودولف هیلفردینگ به ترجمه احمد تدین با ویراستاری محمود صدری منتشر شده است. کتاب شامل چهار بخش اصلی با عناوین «پول و اعتبار»، «سیج سرمایه: سرمایه خیالی»، «سرمایه مالی و محدود شدن رقابت آزاد» و «سیاست اقتصادی سرمایه‌مالی» است. رودولف هیلفردینگ در سال ۱۸۷۷ میلادی در وین پایتخت اتریش و در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد. در دانشگاه وین به تحصیل پزشکی پرداخت اما علاقه‌اش به فعالیت‌های سیاسی و مطالعات اقتصادی، راهی دیگر پیش‌رویش گذاشت. پس از اخذ مدرک پزشکی، به مقاله‌نویسی در باره روزنامه «دای‌نیوزیت» که ناشر نظریه‌های مارکسیستی بود، روی آورد. غالب مقالاتش در باره سوسیالیسم و دفاع از مواضع حزب سوسیال دموکرات آلمان بود که بعدها خودش هم به آن پیوست. هیلفردینگ اوایل ۱۹۲۰ تابعیت آلمان را پذیرفت و در مقام وزیر دارایی در دو کابینه سوسیال_دموکرات‌های آلمان از ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۹ خدمت کرد. وی از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳ عضو مجلس آلمان هم بود. پس از به قدرت رسیدن هیتلر، از آلمان گریخت و در نقاط مختلف اروپا سرگردان بود. در سال ۱۹۴۰ به فرانسه برگشت اما حکومت ویشی دست‌گیرش کرد و تحویل گشتاپو داد. هیلفردینگ در سال ۱۹۴۱ در زندان درگذشت. برخی منابع، علت مرگ وی را شکنجه و فشار کار اجباری ذکر کرده‌اند و برخی دیگر گفته‌اند در زندان حلق آویز شده است. در بخشی از مقدمه کتاب می‌خوانیم: «کتاب «سرمایه‌مالی» از آغاز قرن بیستم تاکنون مهم‌ترین و تاثیرگذارترین متن اقتصاد سیاسی مارکسیستی بوده است. این کتاب سرآغاز بزرگ‌ترین بازاندیشی در نقد اقتصاد سیاسی کاپیتالیستی است که حوزه‌تاثیرش از جنبش جهانی چپ رفته رفته و حتی کینزین‌های جدید، تحولات دو دهه اخیر در اقتصاد جهانی و بحران‌های مالی ۱۹۹۷ به بعد را در برتو این متن تفسیر کرده‌اند. علاوه بر اینها، هیلفردینگ

گردش روزگار برعکس است



ما برای مردن وقت نداریم… (سمیح القاسم؛ شاعر فلسطینی)

با کاروان حله / اخبار هنر

تالار وحدت زیر آب می‌رود

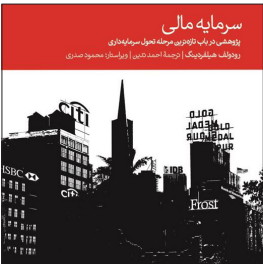
نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی خان» به کارگردانی علی رفیعی از هفته آینده در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. دکور این نمایش را رفیعی طراحی کرده و یکی از ویژگی‌های آن وجود ۴۵۰۰ لیتر آب در صحنه است. اجرای این نمایش از پنجشنبه ۱۴ آبان آغاز می‌شود و مشاور طراحی و اجرای صحنه این نمایش بر عهده منوچهر شجاع است. مشاور فنی



این نمایش مهندس علی اصغر زغمی است و اسکسپ، نقشه، ماکت و اجرای صحنه را محمد موسوی بر عهده دارد. این نمایش چند دهه قبل در سال ۱۳۵۶ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر با بازی مهدی هاشمی در نقش ناصرالدین شاه و گلاب آدینه در نقش گلین به صحنه رفته است. در اجرای جدید این نمایش سیامک صفری (جامه‌دار)، مهدی سلطانی (میرزا تقی خان فراهانی)، مریم سعادت (مهد علیا)، مصطفی ساسانی (ناصرالدین شاه)، نسرين درخشان‌زاده (عزت‌الدوله)، سارا رسول‌زاده (گلین)، فروغ قجابگلی (نازنین)، زهیر یاری (سفیر کبیر انگلیس)، عباس جمالی (میرزا آقاخان نوری)، ساناز روشنی (خجسته)، هوشنگ قوانلو (درباری)، بلداعاسی (میمنت)، عزالدین توفیق (آغاباشی) به عنوان بازیگر حضور خواهند داشت. داستان نمایش آن چنان که از عنوان آن پیداست، روایت رویدادهای زندگی و قتل میرزا تقی خان فراهانی از زبان جامه‌دار اوست که در فضایی تلفیق شده از یک حمام عمومی قدیمی و یک کاخ سلطنتی قجری، بازگویی می‌شود.

ایام وصال یاز گویی که نبود
وان دولت بی‌شمار گویی که نبود
از یار به جز فراق برچای نمائد
رفت آن همه روزگار گویی که نبود
(مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، قرن هفتم، رباعیات)

سوت‌بان



سرمایه مالی
روشنی در باب تحول مرحله تحول سرمای
دولف هیلفردینگ
انتشارات دنیای اقتصاد
شمارگان: هزار و صد نسخه
صفحه ۶۲۴

سرمایه مالی
پژوهشی در باب تازه‌ترین مرحله تحول سرمایه‌داری
مولف: رودولف هیلفردینگ
مترجم: احمد تدین
انتشارات دنیای اقتصاد
شمارگان: هزار و صد نسخه
صفحه ۶۲۴

اما کسی نمی‌دانست و هنوز نمی‌داند چرا انتشار این ترجمه که از نمونه‌های درخشان ترجمه آلمانی به انگلیسی هم شمرده می‌شود، این همه به درازا کشیده است. حال بیش از یک قرن پس از انتشار نسخه آلمانی و ۳۵ سال پس از انتشار نسخه انگلیسی، این کتاب را انتشارات دنیای اقتصاد منتشر کرده است. این کتاب در شمار آثار کلاسیک اقتصاد سیاسی است ابزاری موثر برای فهم تحولات حوزه اقتصاد سیاسی، کشاکش‌های نظری در اردوگاه سوسیالیست‌ها و مواضع اقتصادی سوسیالیسم و لیبرالیسم، در اختیار خواننده می‌گذارد.

کارگردان سرشناس ایتالیایی در تهران



پروژه مشترک تئاتر «ایران و ایتالیا» با حضور مرکز هنری «ArteStudio» و به میزبانی گروه نمایش «آو» و خانه نمایش «دا»، از ۳۰ آبان ۹۴ به مدت یک هفته در تهران برگزار می‌شود. سهیل اعرابی، به عنوان یکی از سرپرست‌های گروه آو و مدیر پروژه اعلام کرد: ریکاردو ونوچینی به عنوان کارگردان، فیلم‌ساز، مولف، بازیگر و پژوهشگر تئاتر، نزدیک به چهار دهه در تئاتر و اپرا فعالیت کرده است. وی در این سال‌ها در نمایش‌ها، اپراهای متعددی را کارگردانی و بازیگری و آهنگسازی کرده که هرکدام در ایتالیا و سایر نقاط جهان با موفقیت روی صحنه رفته‌اند. در سال‌های اخیر با تمرکز بر تئاتر اجتماعی و مسائل جهانی، پروژه‌های عجیب و سختی را در کارنامه خود ثبت کرده است که شامل اجرا در مراکز و سازمان‌های جهانی با موضوع اجتماعی، کارگاه‌های آموزشی و اجراء در مراکز پناهجویان آفریقای، با مناطقی همچون اردوگاه پناهندگان سوری در اردن و روستاهای بیروت بوده است. با دعوت تیم ایتالیایی از گروه نمایش «آو» برای همکاری در سال جاری، پروژه مشترکی شکل گرفته است. این پروژه به منظور شناساندن و درک بیشتر تئاتر اجتماعی، با رویکرد «تئاتر به مثابه ابزاری برای درک رویدادهای زندگی» در فضایی آموزشی-تجربی برگزار می‌شود. روابط عمومی خانه نمایش «دا» به عنوان دیگر برگزارکننده این پروژه اضافه کرد: این تماشاخانه از تاریخ ۳۰ آبان تا ۶ آذر میزبان تیم ایتالیایی و شرکت‌کنندگان خواهد بود.

و کثرت استعمال بسیاری از واژه‌ها، ساخت‌های صرفی و نحوی و… مفاهیم را در می‌پاییم و به قول معروف «فنگفته تا فرحزاد می‌رویم» بسیاری از مفاهیم را ولوبه‌فراتی پیچیده و غریب و با ساختی اشتباه و نادرست بین زمین و آسمان درک می‌کنیم و در بسیاری از موارد مانند یکدیگر نیز درک می‌کنیم (بسان دلالتی طبیعی و غیر لفظی). برای مثال، از سه جلهه زیر بسیاری از مایک معنارا می‌فهمیم: معلم بچه‌ها را به‌درس خواندن سفارش کرد و خاطرنشان ساخت که آنان که درس نخوانند آینده‌ای هم ندارند. / معلم بچه‌ها را به‌خواندن درس کرد و گوشزد کرد که آنان که درس نمی‌خوانند آینده‌ای هم ندارند. / معلم بچه‌ها را باعبارت‌های «به‌درس خواندن سفارش کردن»، «به‌خواندن درس تشویق کردن» و «توصیه به‌خواندن درس کردن»، و نیز «خاطرنشان ساختن»، «گوشزد کردن»، «گفتن (بر اثر هم‌جواری با تشویق کردن)» اجمالا یک معنار می‌رسانند. در حالی که این سه عبارت بجز معنای ساده و بنیادینی که دارند معنای جزئی دیگری هم دارند که دلالت بر سه حالت و سه فضای گفتاری مختلف می‌کنند.

سپردن»، «سماع» و «استماع»، «احد» و «واحد»، «به‌شکل» و «به‌صورت» و «به‌طرز» و «به‌طور» و…، فرق نگذاشته و معنای درست آن‌ها را درک نمی‌کنند. برای همین، به‌راحتی می‌نویسند: «واقعیت امر این است که…»، «حقیقت امر این است که…» و از این دو عبارت یک معنار ابرداشت می‌کنند. آن‌هم معنایی اجمالی و نادقیق را. یا می‌نویسند: «این امری ذهنی است» و «این امری انتزاعی است» و تفاوت آشکار میان این دو را در نظر نمی‌آورند. خطری که امروز زبان فارسی را تهدید می‌کند همین گسترش بی‌رویه معنایی اجمالی و نوجه‌کنیدن به دلالت‌های الفاظ است که منجر به شیوع «ترادف‌زایی» در زبان فارسی شده است. مساله مهم‌تر این است که اهل قلم و ادب (نویسندگان، ویراستاران و دانش‌جویان و دانش‌تگنان زبان و ادب فارسی) هم که باید به مناسبت حرفه و شغل و تحصیلاتشان به این ناهنجاری‌ها حساس باشند از این موضوع برکنار نیستند و در کارها و نوشته‌هایشان دقت کافی ندارند و اغلب در این که یک واژه ممکن است معنای دیگری داشته باشد یا معنای حقیقی‌اش همان نباشد که آن‌ها گمان می‌کنندش نمی‌کنند. ظاهرا مر این است که ما فارسی‌زبانان چون اهل زبان هسپتم به سبب آشنایی با هنجارهای زبان فارسی